



موازنه‌ی مضامین وطن‌دوستی و بیداری در اشعار فرخی یزدی و اخوان ثالث

شمسی واقف‌زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین

هانیه سادات نجفی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ورامین

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۲

چکیده

عشق به وطن و تلاش برای بیداری مردم به منظور مبارزه با ظلم و ستم و سعی در بهبود شرایط حاکم بر جامعه از جمله مسائلی است که در شعر شاعران متعهد نمود و بروزی خاص می‌یابد. فردوسی پیش کسوت و سردمدار شاعرانی است که دل در گرو حفظ هویت ملی و افتخارات قومی دارند. این امر در ادب معاصر ایران بسیار پررنگ‌تر و روشن‌تر از دوره‌های گذشته نمود یافته است. در پژوهش حاضر به بررسی اشعار سیاسی و اجتماعی فرخی یزدی و اخوان ثالث پرداخته شده است تا وجوه اشتراک و افتراق در شعر هر دو شاعر در مورد مضامین وطن‌دوستی و بیداری مورد واکاوی قرار گیرد.

مفاهیمی چون آزادی، بیداری، مبارزه با استبداد، غرب‌زدگی، هویت ملی و یادکرد از گذشتگان ملی و ایران باستان از مهم‌ترین دغدغه‌های مشترک فکری این دو شاعر بوده است.

از سوی دیگر دیدگاه وطن‌دوستی اخوان با تاکید بر گذشته‌ی باستانی نمود پررنگتری داشته ولی در اشعار فرخی وطن‌امروزی بیشتر مورد نظر می‌باشد. از طرفی مبارزات سیاسی نزد اخوان با اشعارش نمود می‌یافت و به شکل نمادین مردم را به بیداری فرا می‌خواند اما فرخی نه تنها با شعر خود بلکه با مبارزات علنی میل به دوستاری وطن و تلاش برای آزادی را نشان می‌داد.

کلیدواژه‌ها: وطن‌دوستی، بیداری، ادبیات مشروطه، فرخی یزدی، اخوان ثالث.

مقدمه

فراز و نشیب‌های تاریخی فراوانی که در دوره‌ی مشروطیت و معاصر در زمینه‌ی سیاست و حکمرانی در ایران رخ داده است، موجب شده تا مضامینی چون عشق به وطن و بیداری در اشعار شاعران متعهد و فرهیختگان این دوره به گونه‌ای خاص بروز نماید؛ شاعرانی که در آثار خود به بیان مشکلات روز جامعه و انتقاد از آن می‌پرداختند. آنها به این مضمون نیز اکتفا نکرده و با آثار خود به مبارزه علیه غرب‌زدگی و غفلت می‌پرداختند. فرخی یزدی و اخوان ثالث نیز از جمله شعرای فرهیخته و متعهد معاصر هستند که از این امر مستثنی نبوده‌اند.

اشعار فرخی نشانگر مبارزات روشنگرانه او با استعمار خارجی و تلاش در راه ریشه‌کن کردن جهل از جامعه آن روز ایران و دمیدن روح تحرک و کوشش در آحاد اجتماع است. اخوان از مهم‌ترین شاعران معاصر است که هویت ملی را در اشعار خود طرح کرده است. ایران دوستی و عشق به مظاهر ایرانی و انعکاس جلوه‌های ملی و محلی به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم شعر اخوان، معلول عواملی چند است که اهم آن عبارتند از:

- لزوم متکی بودن به امری مقدس و ریشه داشتن در خاک انسانی
- آشنایی با متون و تاریخ گذشته و سرخوردگی از دروغ‌ها و فریب‌ها
- وجود تناقضات در حوزه‌ی امور تاریخی و اجتماعی و ملی

- پرداختن به فرهنگ و تاریخ گذشته به عنوان عکس‌العملی عقلانی برای جلوگیری از مسخ شدن و استحاله‌ی فرهنگی
- جبران بیخبری گذشته و به فریاد یک مظلومیت و محرومیت تاریخی

رسیدن

در پژوهش حاضر به بررسی پرسش‌های زیر در رابطه با اشعار این دو شاعر پرداخته می‌شود:

- وطن‌دوستی و بیداری در اشعار فرخی یزدی و اخوان ثالث چه جایگاهی دارد؟
- اشعار فرخی یزدی و اخوان ثالث در بیان وطن‌دوستی و بیداری تا چه اندازه هم سو بوده‌اند؟
- تاثیر محیط اجتماعی و سیاسی در اشعار فرخی و اخوان ثالث چگونه بوده است؟
- هویت ملی در شعر اخوان ثالث و فرخی چه مولفه‌هایی دارد؟

بحث و بررسی

مفهوم وطن

جای باش مردم، جای باشش مردم، جای اقامت، محل اقامت، مقام و مسکن، جایی که شخص زاییده شده و نشو و نما کرده و پرورش یافته باشد، شهر زادگاه، مهین و نشیمن، میهن، سرزمینی که شخص در یکی از نواحی آن متولد شده و نشو و نما کرده باشد.

(دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴: ۲۰۵۲۰)

مقیم شدن در جایی. ۲- اقامت در جایی. ۳- محل اقامت، جای باش. ۴- شهرزادگاه. ۵- کشوری که شخص در یکی از نواحی آن متولد شده و نشو و نما کرده. (معین، ۱۳۷۱، ج ۴:

۵۰۳۸)

مفهوم وطن دوستی

با حمیت و با غیرت، وطن‌پرست. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴: ۲۰۵۲۰)

وطن‌پرست (معین، ۱۳۷۱، ج ۴: ۵۰۳۸)

وطن‌خواه، میهن‌دوست، میهن‌خواه، کسی که وطن خود را دوست دارد.

(عمید، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۴۶۳)

مفهوم بیداری

مقابل سهر و بی‌خوابی، یقظه مقابل خواب و نوم، سهد، سهاد، یاد (یادداشت مولف): حالی است که روح نفسانی اندر آن حال آلت‌ها و حس و حرکت را کار فرماید تا مردم به مقصد و اختیار خویش حرکت‌ها می‌کند و از محسوسات خبر می‌یابد (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۰۵۲۰)

مفهوم ادبیات مشروطه

ادبیات مشروطه، به ادبیات دوره‌ای گفته می‌شود که در آن شاعران، نویسندگان و اصحاب هنر، ادبیات را وسیله‌ای برای بیان اهداف سیاسی و اجتماعی خود، از جمله تنویر افکار مردم، آزادی و استقرار مشروطیت، قرار داده بودند؛ که از نظر زمانی بین سالهای ۱۲۴۰ تا ۱۲۹۹ هـ.ش. را در بر می‌گیرد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲: ۷۳).

فرخی یزدی

فرخی یزدی در سال ۱۳۰۲ یا ۱۳۰۶ هجری قمری برابر ۱۲۶۷ یا ۱۲۶۳ هجری شمسی در یزد پا به عرصه گیتی نهاد و بعد از عمری سراسر جهاد و مبارزه در سن حدود ۵۱ سالگی و به سال ۱۳۵۷ هجری قمری برابر با ۱۳۱۸ هجری شمسی در زندان قصر به طرز مشکوکی جان به جان آفرین تسلیم کرد.

(حاکمی والا، ۱۳۷۵: ۷۴)

او از شاعران و روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه و متعهد صدر مشروطیت بود و همین امر موجب گردید تا سردبیری نشریات حزب کمونیست ایران، از جمله روزنامه طوفان را در دهه ۱۳۲۰ هجری شمسی عهده دار گردد (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۷۱).

اخوان ثالث

مهدی اخوان ثالث (م - امید) در سال ۱۳۰۷ ش. در مشهد متولد شد. پدر مهدی از مردم یزد بود که در جوانی به مشهد مهاجرت کرده بود. اخوان در سال ۱۳۶۹ ش. بدرود حیات گفت.

(محمدی آملی، ۱۳۷۷: ۲۴ و ۹۲)

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سرآغازی شد برای دوره جدیدی از زندگی شاعرانه اخوان، «دوره ای که در آن شکوه امیدوارانه‌ی اخوان فرو ریخت، اما استعداد هنری‌اش سر بر آسمان برداشت».

(زرقانی، ۱۳۸۳: ۴۲۵)

این شکست تکانه‌ی روحی شدیدی بود که باعث خلق شاهکارهایی از این شاعر در عرصه-ی شعر نیمایی شد. خشم و خروش اخوان به تدریج از او شاعری منتقد اجتماعی ساخت و تأثر از نابسامانی‌های مردم تیره روز در اشعارش نمایان می‌شود که رفته رفته گرفتار گرداب یاس اجتماعی شده و در ادامه این «یاس اجتماعی» در وجود او تبدیل به «یاس فلسفی» می‌شود. دوره‌ای که اندیشیدن، پرسش و اعتراض بیشترین مضمون اشعار وی را تشکیل می‌دهد. فضای حاکم بر این گونه اشعار در دوره‌ی بلوغ فکری و شعری او که از آن با عنوان دوره‌ی شکست یاد می‌شود، نومیدی و درهم‌ریختگی ارزش‌هاست، که شاعر آن را به صورت شخصی و سمبلیک به تصویر می‌کشد. دوره‌ی شکست برای اخوان دوره‌ای است که «این مردم از پای درآمده‌اند: از یاری او سرباز زده‌اند و سبب شکست شده‌اند» (مختاری، ۱۳۷۸: ۴۴۹).

وطن دوستی در شعر فرخی یزدی

عشق به وطن و ابراز علاقه و دل‌بستگی به وطن موضوع جدیدی نیست، اما میهن‌دوستی و وطن‌پرستی به معنای معاصر و امروزی آن چیزی است که بیشتر بعد از انقلاب کبیر فرانسه در افواه مردمان شایع گردیده است (لنگرودی و دیگران، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲۷).

فرخی یزدی یکی از بهترین مصادیق شاعران معاصر ایران است که ابراز عشق و علاقه‌ی او به ایران در جای جای آثار او پیدا است و به اشکال گوناگون بروز یافته است. زبان و قلم فرخی یزدی در واقع سلاح برنده و موثر او در مقابله با دشمنان این ملت بزرگ بوده و آن را بر فرق خوارج زمان فرود می‌آورده است.

بیداری (آزادی) در شعر فرخی یزدی

اگر چه شاعران بسیاری در راه آزادی قدم برداشتند، اما فرخی یزدی جزء نادر شعرایی است که مفهوم آزادی از عمق جان به کرات در اشعار او دیده می‌شود (آذری شهرضایی، ۱۳۸۱: ۵۰). غزل‌های فرخی را می‌توان سرآغاز نوعی غزل فارسی به شمار آورد که ما آن را «غزل اجتماعی» و یا «غزل سیاسی» می‌نامیم. بی‌شک شاعران روزگار مشروطه، پیش از فرخی غزل سیاسی-اجتماعی گفته‌اند؛ اما فرخی، هم از جهت تعداد و هم از جهت پیگیری یک گونه در غزل، شاخص‌ترین شاعر در این فرم و قالب است. وی در غزل‌هایش معمولاً ابیاتی را با همان تعبیر و اصطلاحات خاص غزل و گاه با لحنی عاشقانه، آغاز می‌کند و پس از چند بیت، به موضوعات اجتماعی-سیاسی می‌پردازد (باقری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷).

فرخی نمونه‌ای بارز از شاعران عصر بیداری است، عصری که مملو از مبارزات جنبش مشروطه و موکد حضور مردم است. مهم‌ترین درون مایه‌های شعر او عبارتند از: وطن، قانون-گرایی، تعلیم و تربیت نوین، رویکرد به مردم، توجه به جامعه زنان، عنایت به تمدن جدید و نفرت از دیکتاتوری.

(حسینی کازرونی، ۱۳۷۸: ۱۰)

اما کلمه‌ی آزادی؛ محبوب‌ترین کلمه برای اوست. این کلمه و مفهوم آن، بنیان سروده‌ها و غزل‌های فرخی یزدی است و می‌توان گفت در میان کلماتی با مفاهیم جدید در فرهنگ ادبی سده اخیر، آزادی، محور شعر فرخی است (باقری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰).

بسیاری از اشعار وی که نشریه‌ی «طوفان» منتشر شده است. او در بالای ستون اول این روزنامه رباعیات خود را که حاوی گزنده‌ترین انتقادات سیاسی و اجتماعی بود منتشر می‌کرد.

وطن‌دوستی در شعر اخوان ثالث

تصور اینکه اگر ایران از لوث حضور بیگانگان پاک باقی می‌ماند، ما رستگار می‌شدیم، تصور درستی نیست. در اخوان نوعی بیش‌شونویستی وجود داشت، بینشی که همه چیز را در "ایران پاک" می‌دید در بند ما قبل آخر شعر "قصه‌ی شهر سنگستان" « اشاره به غار، شهریار شهر سنگستان، مغ، آتشگه، انیران، فرنگ و ترک و تازی و میترا او را به سوی نوعی ساده از چکیده-گویی نمادی می‌برد ولی متاسفانه آن را غرق در نوعی ملی‌گرایی می‌کند، یعنی به جای آنکه وجه اشتراک نمادین یا اساطیری همه ملت‌ها را از آن چکیده‌گرایی نمادی استنباط کند - و این گاهی جز از طریق بیان تضادهای درونی خود یک ملت عملی نیست - تمامی جرم‌ها را به گردن فرنگ و ترک و تازی می‌اندازد. یعنی اخوان به ایران پاک اولیه، که سرپایش خوب بود، اعتقاد داشت و گمان می‌کرد که اگر امید رستگاری نیست، به دلیل این است که فرنگ و ترک و تازی نگذاشته‌اند. یعنی از این بابت اخوان، اولاً در وجود خود ما هیچ‌گونه تضادی نمی‌بیند، ثانیاً در فرنگ و ترک و تازی هیچ چیز خوب نمی‌بیند، ثالثاً به جای آنکه به ما به صورت یک تاریخ نگاه کند که در طول زمان ترکیباتش به هم خورده، ذهنیت همایش دگرگون شده تا آنکه به مرحله امروز رسیده است، به صورت چیزی آلوده نگاه می‌کند که آلودگی آن سراسر زاینده حرکت تاریخ است... این تصور که هجوم اقوام و فرهنگ‌های آنها ما را آلوده کرده است و در نتیجه برای ما دیگر امید رستگاری نیست، از یک بینش سراسر ضد اسطوره‌ای و ضد تاریخی سرچشمه می‌گیرد» (براهنی، ۱۳۷۰: ۱۴۹-۱۴۸).

آنچه که اخوان در شعر قصه‌ی شهر سنگستان می‌گوید بر اساس شناخت درست و کامل از تاریخ و فرهنگ ایران زمین نبوده است و اخوان تا پایان عمر در بین دوگانگی قبول یا عدم پذیرش چنین بینشی زندگی می‌کند. (محمدی آملی، ۱۳۷۷: ۱۵۵-۱۵۶).

بیداری (آزادی) از دیدگاه اخوان ثالث

«اخوان، شاعر درد و دردمندی است، درد او اگرچه به یک اعتبار، درد خاص او نیست و درد یک نسل است، اما زبان او، بیان خاص خود را می‌یابد و شعر او بیان احوال نسلی است که امروز اساس زندگی و رفتار مردم است و صورت صادر شده ساده‌تر و مسخ‌شده ترش را در

کردار و رفتار برگزیدگان کشورهای در حال توسعه می‌توان یافت و همین صورت ساده و همگانی آن است که از دهان اخوان ثالث چنین زبان به گفتار می‌گشاید: آنچه مهم است این است که انسان امروز باشیم و بیش بشری و اجتماعی به حقایق زندگی آزاد و شرفمند امروز آشنا باشد، امروز فقط انسان مطرح است و ارزش هستی و عمر و کار سودمندی یا زیبایی او، نه هیچ چیز دیگر». (آشوری، ۱۳۸۴: ۱۹۱-۱۹۶)

درون مایه های مشترک وطن دوستی و بیداری در شعر فرخی یزدی و اخوان ثالث

دوره‌ی سلطه‌ی استعمار بر کشورهای خاورمیانه و مشرق زمین که غالباً با تهدید و تحقیر ملت‌ها و نادیده گرفتن حقوق اجتماعی و فردی آن‌ها توأم بود، موجب می‌شد تا آنانی که درد جامعه را احساس می‌کردند و تعهد اجتماعی را بر امیال و عواطف شخصی مقدم می‌داشتند، برای خود رسالتی قائل شوند و از کنار دردهای جامعه بی‌اعتنا نگذرند و چشم را بر واقعیت‌های حاکم بر جامعه نبندند. این باور و مسئولیت‌پذیری در قبال آلام جامعه، ریشه در تعهدات اخلاقی و وجدانی افراد دارد که رنج و دشواری‌های جامعه را رنج خود می‌بینند و از سکوت و صحنه گذاشتن بر وضع موجود خودداری می‌کنند.

فرخی یزدی و اخوان ثالث همیشه به میهن عشق ورزیده و هدف اصلی سرودن اشعار سیاسی و اجتماعی خود را پیشرفت و آبادانی جامعه و تلاش در راه گسترش و اعتلای فرهنگ عمومی قرار داده بودند.

ایران دوستی و وطن پرستی

عشق به وطن و علاقه به ایران در جای جای آثار این دو شاعر پیدا است. آنان خدمت به ملت وطن را وظیفه و سرلوحه اعمال خود می‌دانند.

وطن بزرگ‌ترین مایه‌ی الهام همه‌ی شاعران دوره‌ی مشروطه است. اگر دیوان شاعران این دوره یا روزنامه‌های این زمان را بگشاییم کمتر صفحه‌ای است که در آن با مفهوم جدید وطن آشنا نشویم. تأثیرگذاری و شورانگیزی این نوع سروده‌ها دست مایه‌ای است برای برانگیختن احساسات ملی و ضد استعماری مردم در راستای تحوّل معنا و مفهوم وطن، شعر دوره‌ی مشروطه نیز از حالت کلاسیک و سنتی خارج و به تجلّد و نوگرایی، هم در مضمون و هم در

قالب نزدیک می‌شود. آفرینش مستزادها و ترانه‌های بسیار، حکایت از این تحول قالبی و محتوایی دارد. هرچند که آخوندزاده را بنیان‌گذار وطن‌پرستی می‌دانند؛ شاید بتوان گفت شعرا و نویسندگان پس از وی نیز به خوبی از عهده‌ی ادامه کار او برآمدند و در بسیاری موارد برتر از او ظاهر شدند (آرین پور، ۱۳۸۲: ۳۴۹-۳۴۸).

به هر حال اندیشه‌ها و دیدگاه‌های شعرای این دوره در مورد وطن گرچه متفاوت است؛ یک وجه مشترک در آن نیز دیده می‌شود و آن علاقه به اعتلای میهن بدون حضور بیگانه و در قالب مملکتی آزاد است.

در این میان ایران دوستی فرخی یزدی مختص به ایران کنونی است و هدفش نجات ایران از وضعیت گرفتار شده در آن است اما اخوان از سر ناامیدی و احساس شکست روی به ایران باستان می‌آورد.

مرا بارد از دیدگان اشک خونی	بر احوال ایران و حال کنونی
غریقم سرا پای در آب و آتش	ز آه درونی ز اشک برونی

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۹۴)

ز پوچ جهان هیچ اگر دوست دارم	تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم
تو را ای کهن پیر جاوید برنا	تو را دوست دارم اگر دوست دارم

(اخوان ثالث، ۱۳۷۱: ۱۵۷)

توجه به مظلومین جامعه و حمایت از آنها

فرخی یزدی و اخوان ثالث به شرایط حاکم بر کشور خود توجه فراوانی نشان داده و حتی در برابر کوچکترین مساله مرتبط با اوضاع و احوال جامعه نیز شعر سروده‌اند و سعی هر دو در برطرف نمودن ضعف‌ها و نابسامانی‌های موجود در کشورشان استوار بوده است.

البته با این تفاوت که در بحث توجه به قشر مظلوم و ستم دیده، سمت و سوی نگاه فرخی بیشتر به طرف دهقانان و کارگران و مبارزه با سرمایه‌داری متمایل بوده است.

وی در مورد دهقان و کارگر چندین قصیده سروده که مضامین آن عبارت‌اند از:

دفاع از دهقان و کارگر، نیاز جامعه به آن‌ها، سرزنش سرمایه‌داران به خاطر عدم رعایت حق کارگران، مخالفت با دولت حاکم «پهلوی» به علت عدم توجه به نیازهای کارگران و کشاورزان و در نهایت، دعوت به قیام برای نابودی این دولت ظالم.

سرپرست ما که می‌نوشتد سبک رطل گران را می‌کند پامال شهوت دست رنج دیگران را
 پیکر عریان دهقان را در ایران یاد نارد آن که در پاریس بوسد روی سیمین پیکران را
 شد سیه روز جهان از لکه سرمایه‌داری باید از خون شست یکسر باختر تا خاوران را
 (فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۸۴)

... گفت راوی: روستا در خواب بود اما

روستایی با زنش بیدار

"تو چه می‌دانی؟ زن! این بازیست

آن سگ زرد این شغال، آخر

تو مگر نشنیده‌ای هر گرد گردو نیست؟"

زن کشید آهی و خواب آلود

خاست از جا تا بپوشاند

روی آن فرزند را که خفته بود آن جا کنار در

دست این یک را لگد کرد

(اخوان ثالث، ۱۳۸۶: ۳۵)

استفاده از مفاخر قومی و ملی

هر دو شاعر در این زمینه نیز نقاط مشترک فراوانی دارند؛ به این معنا که تلاش هر دو بر این اصل استوار بوده تا با بهره‌گیری از حس وطن‌دوستی هم‌میهنان خود و با دست‌مایه قرار دادن مفاخر قومی و ملی، به تحریک عواطف ملی مردم پرداخته و آن‌ها را بیش از پیش به تلاش برای ساختن آینده جامعه و کشور خود ترغیب نمایند.

نگاه اخوان ثالث به مفاخر ملی به نوعی آرمان‌گراست و با واقعیت تفاوت‌های زیادی دارد اما هدف فرخی یزدی از اشاره کردن به مفاخر قومی و ملی برانگیختن احساسات مردم بود. هر

ایرانی با خواندن این ابیات چنان برمی‌آشوبد که تا رسیدن به هدف خود، یعنی آزادی وطن یا شهادت در این راه، از پای نخواهد نشست.

این همان ایران که منزلگاه کیکاوس بود خوابگاه داریوش و مامن سیروس بود
جای زال و رستم و گودرز و گیو و طوس بود نی چنین پامال جور انگلیس و روس بود
(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۸۶)

عمر، تیری رها شده ز کمان اجل اندر نهفت کرده کمین
تر اگر تیر آرش* و رستم با جرم جایی اوفتد به زمین

(اخوان ثالث، ۱۳۸۶: ۲۰۲)

*آرش: نشانه و مظهر قدرت و مهارت در تیراندازی

مخالفت با استبداد داخلی و وابستگی به بیگانگان

یکی از زمینه‌های مشترک دو شاعر در مبارزات آن‌ها بحث مخالفت با حکومت‌های دست-نشانده غرب در کشور و دعوت به اتحاد مردم در مبارزه با این حکومت‌های فاسد و استبدادگر است.

درباره‌ی مخالفت با ظلم و ستمی که به مردم وارد می‌شود زبان فرخی یزدی بسیار برنده‌تر از اخوان ثالث است. فرخی طی سال‌ها مبارزه هیچ‌گاه دست از فعالیت‌های سیاسی برنداشت و شاید بیشتر عمر خود را در زندان به سر برد. در این میان اخوان همیشه محتاط‌تر عمل کرد و شعرهای سیاسی او همه در قالب نماد بود و بعد از اینکه به زندان افتاد برای همیشه سکوت اختیار کرد و دست از مبارزه برداشت.

این ستم‌کاران که می‌خواهند سلطانی کنند عالمی را کشته تا یک دم هوسرانی کنند
جشن و ماتم پیش ما باشد یکی چون بره را روزگار جشن و ماتم هر دو
قربانی کنند

با چنین نعمت که می‌بینند مردم رواست شکرها تقدیم دربار بریتانی کنند

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

بر به کشتی‌های خشم بادبان از خون،
 ما، برای فتح سوی پایتخت قرن می‌آییم.
 تا که هیچستان نه توی فراخ این غبارآلود بی غم را
 با چکا چکاک مهیب تیغ هامان، تیز
 غرش زهره دران کوس هامان، سهم
 پرش خارا شکاف تیر هامان، تند،
 (اخوان ثالث، ۱۳۸۵: ۸۲)

مبارزه با سیاست‌های استعماری غرب

به جرات می‌توان گفت که هدف هر دو شاعر از سرودن اشعار سیاسی و وطنی خود در وهله‌ی اول مخالفت با دولت‌های بیگانه و در وهله‌ی دوم بیرون راندن این دولت‌های استعمارگر از کشور بوده است.

فرخی یزدی در پی مبارزه با کشورهای روسیه و به خصوص انگلیس بوده و همه تلاش خود را برای از میان برداشتن دولت‌های دست‌نشانده‌ی آنها می‌کند. در ادامه اخوان ثالث مبارزه با استعمار را علیه امریکا و انگلیس ادامه می‌دهد.

حاليا کز سلم و تور و انگلیس و روس هست
 ایرج ایران سراپا دستگیر و پای بست
 به که از راه تمدن ترک بی‌مهری کنی
 در ره مشروطه اقدام منوچهری کنی
 (فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

در آن لحظه که من از پنجره بیرون نگاه کردم
 کلاغی* روی بام خانه همسایه ما بود
 و بر چیزی، نمیدانم چه، تکه استخوانی
 دمامم تق تق منقار می‌زد باز.
 (اخوان ثالث، ۱۳۸۶: ۶۱)

*کلاغ: رمزی است از شوروی و شرق در برابر امریکا و غرب

دعوت به اتحاد، انقلاب و آزادی

هر دو شاعر با سرعت گرفتن دخالت بیگانگان در کشور احساس خطر کرده و تنها راه حل و گره‌گشای مشکلات را در انقلاب فراگیر مردمی می‌دانند.

در شعر فرخی، مفهوم آزادی، مفهوم طبقاتی روشن به خود می‌گیرد و طبقات زحمت‌کش به مبارزه برای رسیدن به آزادی فرا خوانده می‌شوند. مبارزه‌ای که چندین جا به روشنی از آن به جنگ طبقاتی تعبیر شده است. او در اشعارش به آزادی پایبند است و می‌کوشد همه مردم در راه رسیدن به آزادی قدم بردارند.

فرخی یزدی همواره در طول زندگی خود مردم را به مبارزه علیه حکومت استبدادی و استعمارگران دعوت می‌کند ولی اخوان ثالث بعد از شکست کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دچار ناامیدی و شکست می‌شود.

در کف مردانگی شمشیر می‌باید حق خود را از دهان شیر می‌باید

تا که استبداد سر در پای آزادی نهد دست خود بر قبضه شمشیر می‌باید

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۹۳)

ای دلیران وطن، با زنده باد ایران به پیش

شور ایمانتان فزون تر باد و زور از شیر

عنترک صدام را با دار و دسته‌ی بزدلش

بر فراز دار رقصانیم با زنجیرها

(اخوان ثالث، ۱۳۷۱: ۳۵۰)

ستایش بزرگان وطنی

از خصوصیات شعر وطنی فرخی یزدی و اخوان ثالث، ستایش بزرگان و متفکرین و نام‌آوران است که این بزرگان یا متعلق به دوره آن‌ها می‌باشند و یا متعلق به دوره‌های قبل؛ البته گاه نام این افراد در شعر به صراحت ذکر نمی‌شود و تنها از طریق قراین تاریخی و یا توضیحات خود شاعر می‌توان فهمید که شعر در ستایش چه کسی سروده شده است.

فرخی یزدی و اخوان ثالث هریک با توجه به دوره زندگی خود و شرایط حاکم بر اجتماع از بزرگان مختلفی یاد کرده‌اند.

یک دم دل ما غمزدگان شاد نشد ویرانه ما از ستم آباد نشد
دادند بسی به راه آزادی جان اما چه نتیجه ملت آزاد نشد

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۲۴۰)

فرخی یزدی این ابیات را به مناسبت قتل مرحوم «عشقی» سروده است.

دیدی دلا که یار نیامد گرد آمد و سوار نیامد
بگداخت شمع و سوخت سراپای و آن صبح زنگار نیامد

(اخوان ثالث، ۱۳۸۶: ۶۰)

اخوان ثالث شعر فوق را درباره «دکتر مصدق» سروده است.

نکوهش جهل

هر دو شاعر از جمود و سکون و جهل ملت ناراضی هستند و آن را آسیبی بزرگ برای ملت می‌شمارند و جهل و سهل‌انگاری و سستی را به عنوان عواملی بازدارنده، بر تفکر و عمل مردم سایه انداخته است؛ لذا زبان به شکایت گشوده و یاس خود را از ناآگاهی و بی‌توجهی مردم نسبت به مصالح خودشان ابراز می‌کنند.

با علم و عمل اگر مهیا نشویم هم دوش به مردمان دنیا نشویم
نادانی و بندگیست توام به خدای ما بنده شویم اگر که دانا نشویم

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۲۰۴)

درخت خشک باری هم ندارد نه تنها گل، که خاری هم ندارد
بیا ای ابر، بر باغی بگیریم که امید بهاری، هم ندارد

(اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۳۱۴)

اهتمام به سرنوشت سایر ملل

توجه به سرنوشت و اتفاقات دیگر کشورهای جهان موضوعی است که هر دو شاعر به آن زیاد توجه نکردند به طوری که در مجموعه آثار آن‌ها زیاد به چشم نمی‌خورد.

نمود همچو ابوالهول رو به ملت روس بلای قحط و غلا با قیافه منحوس

فتاد هیکل سنگین دیو پیکر قحط به روی قلب دهاقین روس چون کابوس

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

در آن لحظه که من از پنجره بیرون نگاه می‌کردم

کلاغی روی بام همسایه ما بود

و بر چیزی، نمیدانم چه، شاید تکه استخوانی

دمادم تق تق متقار می‌زد باز

و نزدیکش کلاغی روی آنتن قار می‌زد باز

(اخوان ثالث، ۱۳۸۶: ۶۱)

بیداری و آگاهی مردم

هر دو شاعر معتقدند که همه مردم جامعه باید در حد توان خود از نظر فکری و اندیشه، نیرومند و قوی باشند. یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های این دو شاعر بیدارکردن افراد ناآگاه و رسواکردن ظالمان کشور است. علاوه بر آن، به دلایلی که سبب عقب‌ماندگی در ایران می‌شود اشاره می‌کنند. آن‌ها وجود جهالت و عامی‌بودن مردم را در برخورد با توطئه‌ها، یکی از عوامل عقب‌ماندگی و نفاق و دورویی را از دیگر سو می‌دانند.

پیش عاقل بی‌تخصص گر عمل معقول نیست/پس چرا در کشور ما این عمل معمول نیست

واردات و صادرات ما تعادل چون نداشت/هر چه می‌خواهی در ایران فقر هست و پول نیست

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۰۹)

گفتم به روح خفته آن مرد بی‌خبر
تا کی تو خفته‌ای؟ بنگر آفتاب زد
(اخوان ثالث، ۱۳۸۵: ۲۵)

انتقاد از عملکرد دستگاه‌های دولتی

تقریباً یک سوم غزلیات فرخی را انتقاد از عملکرد دستگاه‌ها و رجال دولتی تشکیل می‌دهد. این انتقادات غالباً جنبه‌ی کلی دارند و کمتر از اسم خاصی انتقاد شده است. در بین واژه‌های مورد انتقاد شاه، لیدر، وکیل، کابینه، مجلس، شیخ، زاهد، سرمایه دار و ... به چشم می‌خورد. ولی اخوان ثالث در آثارش همواره مردم را مورد انتقاد قرار می‌دهد و سکوت و بی‌اعتنایی آن‌ها را موجب بدبختی عنوان می‌کند.

محو شد ایران ز اقدام قوام السلطنه
محو بادا در جهان نام قوام السلطنه
(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۲۰۴)

تار تنیده ست یکی عنکبوت* پیر
می پلکد دور و بر کارهای خویش
چشم فرو دوخته بر پشه ای حقیر
(اخوان ثالث، ۱۳۸۵: ۵۴)

عنکبوت: ظالمان فرصت طلب و سودجوی مملکت که مظلومان جامعه را چون پشه‌های حقیر به شکار نشسته‌اند

بحث و تفسیر یافته‌های پژوهش

وطن دوستی و بیداری در اشعار فرخی یزدی و اخوان ثالث چه جایگاهی دارد؟

ایران، عشق به وطن، تلاش برای سربلندی ایران، بیداری و آزادی مردم از مهم‌ترین خصیصه‌های اخلاقی و اجتماعی فرخی یزدی بوده است؛ که در سراسر آثار و نوشته‌های فرخی خود را نشان می‌دهد.

فرخی خود و شعرش عالی‌ترین نماد مقاومت مردم ایران در عصر مشروطه و ابتدای عصر استبداد رضاخان‌ی هستند. دید فرخی یزدی فقط به جامعه‌ی ایران معطوف بوده و بیشتر برای نجات ایران از شرایط نابسامانی که در آن گرفتار شده؛ تلاش کرده و در این راه از مضامین قومی و ملی ایران باستان کمک می‌گیرد.

اخوان به وطن‌دوستی و بیداری (آزادی) نگاه ویژه‌ای دارد. اخوان به تاسی از فردوسی استاد مسلم حماسه‌سرایی، بیش از شاعران دیگر عشق و علاقه خود را به ایران نشان داده است. اخوان ثالث به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی -حضور بیگانگان در کشور- در اشعار خود مردم را به هوشیاری، حرکت به سوی آینده، دفاع از وطن و خروج استعمارگران از کشورشان تشویق می‌کند و این امر مهم به دست نمی‌آید؛ مگر اینکه با هم وحدت داشته باشند.

اخوان از عاشقان وطن می‌باشند و برای نشان دادن این علاقه به گذشته نیز رجعت می‌کند و به آن افتخار می‌کند. وطن از دید اخوان ایران است، چه ایران گذشته و چه ایران امروز.

اشعار فرخی یزدی و اخوان ثالث در بیان وطن‌دوستی و بیداری تا چه اندازه هم سو بوده‌اند؟ اشعار فرخی یزدی و اخوان ثالث در بیان موضوعاتی مثل وطن‌دوستی، بیداری (آزادی) تا حد زیادی و شاید کاملاً هم سو با یکدیگر بوده‌اند.

هر دو وطن‌دوست یا به عبارتی دیگر ایران‌دوست می‌باشند. از وضعیت کنونی دوران خود هر دو شاعر شاکی بوده‌اند و برای آرامش خود به ایران باستان روی آورده‌اند.

هر دو شاعر مردم را به وحدت تشویق می‌کنند و لازمه‌ی مبارزه و پایداری با ظلم، ستم و استعمارستیزی را در وحدت مردم می‌دانند.

تلاش هر دو شاعر بر آگاهی دادن مردم و مبارزه با جهل بوده است.

تأثیر محیط اجتماعی و سیاسی در اشعار فرخی یزدی و اخوان چگونه بوده است؟
فرخی یزدی با توجه به دوره‌ای که در آن زندگی می‌کرده، با مشکلات و درگیری‌های
سیاسی و اجتماعی زیادی مواجه بوده است.

از جمله، مواردی چون: وجود دولت‌های مستبد و زورگو در کشور، دخالت‌های مستقیم و
غیرمستقیم استعمارگران غربی و در راس آن‌ها انگلستان و روسیه، وجود ضعف و عقب‌ماندگی-
های سیاسی، مشکلات مختلف اجتماعی چون فقر، بی‌سوادی، بیکاری و ... ،
وجود اقشار مستضعف و ستم‌دیده در جامعه مانند کارگران، کشاورزان، زنان، کودکان،
یتیمان و ... ؛ تأثیر تمامی این وقایع را در شعر فرخی به راحتی می‌توان دید.

اخوان ثالث در دوره‌ای از تاریخ معاصر زندگی می‌کرد که شکست سنگین و دردناک کودتای
۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ بر مردم ایران وارد آمد. این شکست سیاسی، تبعات اجتماعی-انسانی
وسعی را به همراه داشت و هدف اصلی از آن سرکوب نهضت ملی ایران و جلوگیری از ملی
شدن صنعت نفت بود.

اخوان به علت ستم‌های تاریخی که بر مردم کشورش روا شده بود به شاعری ناامید و
شکست خورده تبدیل می‌شود و به راحتی می‌توان آثار این یأس و نومیدی را در اشعارش دید.

هویت ملی در شعر فرخی یزدی و اخوان ثالث چه مولفه‌هایی دارد؟

توجه فرخی یزدی و اخوان ثالث به هویت ملی بیشتر بر مبنای ایران دوستی و توجه به ایران
باستان بوده است.

یکی از دغدغه‌های مهم زندگی این دو شاعر، بازگشت ایران به شکوه پیشین خود و دست-
یابی به استقلال و آزادی پایدار بود.

یاد کرد از قهرمانان مذهبی و ملی در اشعار فرخی یزدی و اخوان ثالث به صورت پررنگ
دید می‌شود. آنها با یاری جستن از این عناصر می‌کوشند تا فضای مبارزه را برای مخاطبان شعر
خویش ملموس ساخته و مردم را به پایداری در برابر تمامی عوامل ظلم و استبداد ترغیب و
تشویق سازند.

نتیجه‌گیری

در این جستار دو محور وطن‌دوستی و بیداری در اشعار فرخی یزدی و اخوان ثالث مورد نقد و واکاوی قرار گرفته است. با موازنه‌ی مضامین سیاسی- اجتماعی این دو شاعر، وجوه اشتراک متعددی به چشم می‌خورد از جمله:

- هر دو شاعر، از شاعران انقلابی و متعهدی بودند که در راه اصلاح و بیداری افکار مردم گام نهادند و علیه جور و ستم حاکمان زمان خود قیام کردند.
- وطن‌دوستی و بیداری جوهره اصلی شعر این دو شاعر را تشکیل می‌دهد.
- هر دو شاعر علیه ضعف و نابسامانی‌های موجود در کشور مبارزه کرده و توجه نشان داده‌اند.
- هر دو شاعر به شدت با استبداد و استعمار مبارزه کرده و زیر بار ظلم و ستم نمی‌روند و تنها راه نجات مردم ایران را اتحاد با یکدیگر می‌دانند.
- اهتمام به هویت ملی و ایران باستان در اشعار هر دو شاعر به چشم می‌خورد. هر دو با افتخار از ایران باستان یاد می‌کنند.

با واکاوی اشعار این دو شاعر تفاوت‌هایی هم مشاهده می‌شود که برخی از آنها عبارتند از:

- منظور از وطن در اشعار فرخی یزدی خود ایران است ولی نگاه اخوان به وطن یک نگاه نامیدانه است. او نگاهی آرمان‌گرا به ایران باستان دارد.
- اخوان بر عکس فرخی بعد از شکست کودتا دچار نوعی افسردگی می‌شود و نگرش او به همه مسائل نگرشی نامیدانه است در حالی که فرخی در طول زندگی خود هرگز دست از مبارزه بر نداشته است.
- یکی از مهم‌ترین تفاوت‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد آن است که فرخی یزدی همواره با زبانی تند و برنده به مبارزه علیه ظلم و بیدادگری پرداخته و حتی همین امر باعث دوخته شدن لبان او توسط حاکم وقت یزد گردید و بارها و بارها روانه زندان شد؛ اما اخوان همواره نمادین صحبت می‌کرد، در پرده صحبت کردن او باعث شد کمتر از فرخی یزدی روانه زندان گردد، او

سرانجام بدین باور رسید که، زندگی‌اش نباید داخل زندان‌ها بگذرد از این رو دست از سیاست شست و سکوت اختیار کرد.

منابع:

- آذری شهرضایی، رضا (۱۳۸۱). «فرخی یزدی، سرانجام یک رویای سیاسی». تهران: شیرازه.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۲). «از صبا تا نیما». تهران: زوار.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۲). «از نیما تا روزگار ما». تهران: زوار.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۴). «شعر و اندیشه». تهران: مرکز.
- اخوان‌ثالث، مهدی (۱۳۷۱). «ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم». تهران: مروارید.
- اخوان‌ثالث، مهدی (۱۳۷۱). «صدای حیرت بیدار». زیر نظر مرتضی کاخی، تهران: زمستان.
- اخوان‌ثالث، مهدی (۱۳۸۶). «از این اوستا». تهران: زمستان.
- اخوان‌ثالث، مهدی (۱۳۸۶). «ارغنون». تهران: زمستان.
- اخوان‌ثالث، مهدی (۱۳۸۵). «آخر شاهنامه». تهران: زمستان.
- اخوان‌ثالث، مهدی (۱۳۸۵). «زمستان». تهران: زمستان.
- باقری، ساعد، محمودی، سهیل (۱۳۸۹). «در هوای آزادی، گزیده شعر فرخی یزدی». تهران: امیرکبیر.
- براهنی، رضا (۱۳۷۰). «اخوان، شاعر بزرگ سرزنش جهان». ناگه غروب کدامین ستاره. تهران: بزرگمهر.
- حاکمی‌والا، اسماعیل (۱۳۷۵). «ادبیات معاصر ایران». تهران: اساطیر.
- حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۷۸). «دیوان فرخی یزدی». تهران: ارمغان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). «لغت نامه دهخدا». تهران: دانشگاه تهران.
- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۳). «چشم انداز شعر معاصر ایران». تهران: ثالث.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۲). «از جامی تا روزگار ما». ترجمه حجت اله اصیل. تهران: نی
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳). «تاریخ جراید و مطبوعات ایران». اصفهان: کمال.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). «فرهنگ عمید». تهران: امیرکبیر.
- فرخی یزدی، محمد (۱۳۸۹). «دیوان». به اهتمام حسین مکی. تهران: امیرکبیر.
- لنگرودی، شمس، جواهری گیلانی، محمدتقی (۱۳۷۷). «تاریخ تحلیلی شعر نو». تهران: مرکز.
- محمدی‌آملی، محمدرضا (۱۳۷۷). «آواز چگور». تهران: ثالث.
- مختاری، محمد (۱۳۷۸). «انسان در شعر معاصر». تهران: توس.
- معین، محمد (۱۳۷۱). «فرهنگ فارسی». تهران: امیرکبیر.